



بازخوانی بیانات امام خمینی (ره) در زمینه تولید ملی و خودکفایی اقتصادی

با توجه به نامگذاری سال ۱۳۹۱ به نام «تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی» در این نوشتار اندیشه‌ها و کلام امام را در این مورد با توجه به صحیفه نور و نیز وصیتنامه الهی - سیاسی امام خمینی (ره) مورد بازخوانی قرار می‌دهیم.

الف) صحیفه امام
اعتماد به نفس و توجه به تولید داخلی
«آنها که این صنعت‌های بزرگ را درست کردند، آنها هم انسان‌های یک سر و دو گوشی هستند که مثل سایر انسان‌ها بیدار شدند و ما را خواب کردند، قبل از اینکه ما بیدار شویم آنها بیدار شدند و هم خودشان را صرف این کردند که با ایادی خودشان مستقیماً یا به‌طور غیرمستقیم ما را غافل کنند، ما را خواب کنند و به ما تزریق کنند به اینکه شما نمی‌توانید».

وابستگی اقتصادی

«شما می‌دانید که اگر یک مملکت در اقتصاد، خصوصاً این رشته اقتصاد که نان مردم است؛ در این، احتیاج به خارج پیدا کند و یک احتیاج مبرمی که نتواند خودش را اداره کند و باید دیگران او را اداره کنند. این وابستگی اقتصادی آن هم در این رشته، موجب این می‌شود که ملت ایران، مملکت ایران، تسلیم بشود به دیگران».

قبح واردات

«چقدر برای یک مملکت عیب است و سرشکستگی که دستش را دراز کند طرف آمریکا که گندم بدهد، کشکول گدائیش را باز کند پیش دشمنش و از او بخواهد که رزقش را بدهد. چقدر برای ما سرشکستگی دارد، تا این ملت بنایش را بر این نگذارد که کشاورزش را تقویت کند و بسازد به آنکه خودش به دست می‌آورد، نمی‌توانیم استقلال پیدا کنیم».

القائات دشمن

«با القای تفکرات و تحقیقات خودساخته به توده‌های محروم باوراندانند که باید تحت نفوذ ما زندگی کرده و آلاهی برای ادامه حیات پابرنه‌ها جز تن دادن به فقر

آمریکا از شما نفت می‌خواهد
و آمریکا از شما نفع می‌خواهد
و می‌خواهد شما بازار باشید
برای او. اینها فرق نمی‌کند،
اینها می‌خواهند که از شما
استفاده بکنند، از مخازنی
که خدا به شما داده آنها
استفاده‌اش را بکنند.

باقی نمانده است».

محاصره اقتصادی

«این محاصره اقتصادی را که خیلی از آن می‌ترسند، من یک هدیه می‌دانم برای کشور خودمان؛ برای اینکه محاصره اقتصادی معنایش این است که مایحتاج ما را به ما نمی‌دهند. وقتی مایحتاج را به ما ندادند خودمان می‌رویم دنبالش، مهم این است که ما بفهمیم که دیگران به ما چیزی نمی‌دهند، ما خودمان باید تهیه کنیم».

استقلال کشور

«شما حالا باید از اول شروع کنید و قصدتان بر این باشد که خودتان مستقل در همه چیز باشید، در فرهنگ مستقل باشید، در صنعت مستقل باشید، در زراعت مستقل باشید؛ وقتی بنا را بر این گذاشتید و با این عزم وارد میدان شدید، می‌توانید کشور خودتان را نجات بدهید و کشور خودتان را مستقل کنید و بیمه کنید استقلال کشور خودتان را برای همیشه».

تحمل مشکلات

«مادامی که بخواهیم مستقل باشیم و زیر بار وابستگی نرویم، باید تحمل این مشکلات و قدرت مبارزه با آن را پیدا کنیم».

تلاشگران اقتصادی

«من دست و بازوی همه کسانی که

بی‌ادعا و مخلصانه در صدد استقلال و خودکفایی کشورند را می‌بوسم».

رفاه حیوانی

«چنانچه امروز وفاداری در وفاداری استقامت کنید که شما را و کشور ملت شما را از ننگ وابستگی‌ها و پیوستگی‌ها به قدرت‌هایی که همه شما را جز برای بردگی خویش نمی‌خواهند و کشور و ملت عزیزتان را عقب‌مانده و بازار مصرف و زیر بار ننگ ستم‌پذیری نگه می‌دارند نجات می‌دهد و زندگی شرافتمندانه را ولو با مشکلات بر زندگی ننگین بردگی اجابت ولو با رفاه حیوانی ترجیح دهید».

بازار اسلامی یا آمریکایی؟

«کنون بازارهای کشورهای اسلامی مراکز رقابت کالاهای غرب و شرق شده است، و سیل کالاهای تزئینی مبتذل و اسباب‌بازی‌ها و اجناس مصرفی به سوی آنها سرازیر است و همه ملت‌ها را آنچنان مصرفی بار آورده‌اند که گمان می‌کنند بدون این اجناس آمریکایی و اروپایی و ژاپنی و دیگر کشورها زندگی نمی‌توان کرد.»

نفت یا نفع؟!

«آمریکا از شما نفت می‌خواهد و آمریکا از شما نفع می‌خواهد و می‌خواهد شما بازار باشید برای او. اینها فرق نمی‌کند، اینها می‌خواهند که از شما استفاده بکنند، از مخازنی که خدا به شما داده آنها استفاده‌اش را بکنند، و الا در آنجایی که شما گرفتار بشوید، هیچ یک از اینها به داد شما نخواهند رسید؛ آنها آن وقت می‌گویند ما اینها را نمی‌شناسیم. بنای این اشخاصی که توجهشان به خودشان و به دنیای خودشان است، این است که مادامی که به نفع آنها چیزی باشد با آنها همراهند و با آنها هم‌کاسه هستند، آن روزی که

بینند این به نفع نیست، ولو دوستشان باشد کنارش می‌گذارند.»

نقش علما و کارشناسان

«کشورهای اسلامی به واسطه ضعف مدیریت‌ها و وابستگی، به وضعیت اسفبار گرفتار شده‌اند که این به عهده علمای اسلام و محققین و کارشناسان اسلامی است که برای جایگزین کردن سیستم ناصحیح اقتصاد حاکم بر جهان اسلام، طرح‌ها و برنامه‌های سازنده و دربرگیرنده منافع محرومان و پابرنه‌ها را ارائه دهند و جهان مستضعفین و مسلمین را از تنگنا و فقر معیشت به درآورند.»

حرمت ارتباط با اسرائیل

«این جانب کراراً خطر دولت اسرائیل و عمال آن را به ملت گوشزد کردم که باید مقاومت منفی کنند و از معاملات با آنها

احتراز جویند.»

«بر همه حرام است که اموال مسلمین را، آن اموالی که مال یک ملت است به باد بدهند و به دشمن‌های اسلام مثل اسرائیل بفروشند.»

نفت‌فروشی به اسرائیل، ممنوع

«دولت‌های ممالک نفت‌خیز اسلامی لازم است از نفت و دیگر امکاناتی که در اختیار دارند، به‌عنوان حربه علیه اسرائیل و استعمارگران استفاده کرده، از فروش نفت به آن دولت‌هایی که به اسرائیل کمک می‌کنند خودداری ورزند.»

ب) وصیتنامه الهی - سیاسی

کالای خانه‌برانداز

«و بر دولت‌ها و دست‌اندرکاران است چه در نسل حاضر و چه در نسل‌های آینده که از متخصصان خود قدردانی کنند و آنان

این محاصره اقتصادی را که خیلی از آن می‌ترسند، من یک هدیه می‌دانم برای کشور خودمان؛ برای اینکه محاصره اقتصادی معنایش این است که مایحتاج ما را به ما نمی‌دهند. وقتی مایحتاج را به ما ندادند خودمان می‌رویم دنبالش، مهم این است که ما بفهمیم که دیگران به ما چیزی نمی‌دهند، ما خودمان باید تهیه کنیم.

را با کمک‌های مادی و معنوی تشویق به کار نمایند و از ورود کالاهای مصرف‌ساز و خانه‌برانداز جلوگیری نمایند و به آنچه دارند بسازند تا خود همه چیز بسازند.»

مصرفی نمودن مسلمین

«و از جوانان، دختران و پسران، می‌خواهم که استقلال و آزادی و ارزش‌های انسانی را، ولو با تحمل زحمت و رنج، فدای تجملات و عشرت‌ها و بی‌بندوباری‌ها و حضور در مراکز فحشا که از طرف غرب و عمال بی‌وطن به شما عرضه می‌شود نکنند؛ که آنان چنانچه تجربه نشان داده، جز تباهی شما و اغفالتان از سرنوشت کشورتان و چاپیدن ذخایر شما و به بند استعمار و ننگ وابستگی کشیدنتان و مصرفی نمودن ملت و کشورتان به چیز دیگر فکر نمی‌کنند؛ و می‌خواهند با این وسایل و امثال آن شما را عقب‌مانده، و به اصطلاح آنان «نیمه‌وحشی» نگه دارند و از نمایندگان مجلس شورای اسلامی در این عصر و عصرهای آینده می‌خواهم که اگر خدای‌نخواستہ عناصر منحرفی با دسیسه و بازی سیاسی و کالت خود را به مردم تحمیل نمودند، مجلس اعتبارنامه آنان را رد کنند و نگذارند حتی یک عنصر خرابکار وابسته به مجلس راه یابد.

عدم وابستگی به غرب

«و وصیت من به ملت‌های کشورهای اسلامی است که انتظار نداشته باشید که از خارج کسی به شما در رسیدن به هدف که آن اسلام و پیاده کردن احکام اسلام است کمک کند؛ خود باید به این امر حیاتی که آزادی و استقلال را تحقق می‌بخشد قیام کنید. و علمای اعلام و خطبای محترم کشورهای اسلامی دولت‌ها را دعوت کنند که از وابستگی به قدرت‌های بزرگ خارجی خود را رها کنند و با ملت خود تفاهم کنند؛ در این صورت پیروزی را در آغوش خواهند کشید.»

مصرف مقابل ابتکار

و غم‌انگیزتر اینکه آنان ملت‌های ستمدیده زیر سلطه را در همه چیز عقب نگه داشته و کشورهای مصرفی بار آوردند و به قدری ما را از پیشرفت‌های خود و



قدرت‌های شیطانی‌شان ترسانده‌اند که جرئت دست‌زدن به هیچ ابتکاری نداریم و همه چیز خود را تسلیم آنان کرده و سرنوشت خود و کشورهای خود را به دست آنان سپرده و چشم و گوش بسته مطیع فرمان هستیم و این پوچی و تهی مغزی مصنوعی موجب شده که در هیچ امری به فکر و دانش خود اتکا نکنیم و کورکورانه از شرق و غرب تقلید نماییم، بلکه از فرهنگ و ادب و صنعت و ابتکار اگر داشتیم، نویسندگان و گویندگان غرب و شرق‌زده بی‌فرهنگ، آنها را به باد انتقاد و مسخره گرفته و فکر و قدرت بومی ما را سرکوب و مایوس نموده و می‌نمایند و رسوم و آداب اجنبی را هر چند مبتذل و مفتضح باشد با عمل و گفتار و نوشتار ترویج کرده و با مداحی و ثناجویی آنها را به خورد ملت‌ها داده و می‌دهند. فی‌المثل، اگر در کتاب یا نوشته یا گفتاری چند واژه فرنگی باشد، بدون توجه به محتوای آن با اعجاب پذیرفته، و گوینده و نویسنده آن را دانشمند و روشنفکر به حساب می‌آورند.

واژگان غربی

«و از گهواره تا قبر به هر چه بنگریم اگر با واژه غربی و شرقی اسم‌گذاری شود مرغوب و مورد توجه و از مظاهر تمدن و پیشرفتگی محسوب، و اگر واژه‌های بومی خودی به کار رود مطرود و کهنه و واپس‌زده خواهد بود. کودکان ما اگر نام غربی داشته باشند مفتخر؛ و اگر نام خودی دارند سر به زیر و عقب افتاده‌اند. خیابان‌ها، کوچه‌ها، مغازه‌ها، شرکت‌ها، داروخانه‌ها، کتابخانه‌ها، پارچه‌ها و دیگر متاع‌ها، هر چند در داخل تهیه شده باید نام خارجی داشته باشد تا مردم از آن راضی و به آن اقبال کنند. فرنگی‌مآبی از سر تا پا و در تمام نشست و برخاست‌ها و در معاشرت‌ها و تمام شئون زندگی موجب افتخار و سربلندی و تمدن و پیشرفت، و در مقابل، آداب و رسوم خودی، کهنه‌پرستی و عقب‌افتادگی است. در هر مرض و کسالتی ولو جزئی و قابل علاج در داخل، باید به خارج رفت و دکترها و اطباء دانشمند خود را محکوم و مایوس کرد. رفتن به انگلستان و فرانسه

و آمریکا و مسکو افتخاری پرارزش و رفتن به حج و سایر اماکن متبرکه کهنه‌پرستی و عقب‌ماندگی است. بی‌اعتنایی به آنچه مربوط به مذهب و معنویات است، از نشانه‌های روشنفکری و تمدن، و در مقابل، تعهد به این امور نشانه عقب‌ماندگی و کهنه‌پرستی است.»

واردات همه چیز

«اینجانب نمی‌گویم ما خود همه چیز داریم؛ معلوم است ما را در طول تاریخ نه‌چندان دور خصوصاً، و در سده‌های اخیر از هر پیشرفتی محروم کرده‌اند و دولتمردان خائن و دودمان پهلوی خصوصاً، و مراکز تبلیغاتی علیه دستاوردهای خودی و نیز خودکوچک‌دیدن‌ها و یا ناچیزدیدن‌ها، ما را از هر فعالیتی برای پیشرفت محروم کرد. واردکردن کالاها از هر قماش و سرگرم‌کردن بانوان و مردان خصوصاً طبقه جوان، به اقسام اجناس وارداتی از قبیل ابرزار آرایش و تزئینات و تجملات و بازی‌های کودکانه و به مسابقه‌کشاندن خانواده‌ها و مصرفی‌بار آوردن هر چه بیشتر، که خود داستان‌های غم‌انگیز دارد، و سرگرم‌کردن و به تباهی‌کشاندن جوان‌ها که عضو فعال هستند با فراهم‌آوردن مراکز فحشا و عشرتکده‌ها، و ده‌ها از این مصائب حساب‌شده، برای عقب‌نگه‌داشتن کشورهاست. من وصیت دلسوزانه و خادمانه می‌کنم به ملت عزیز که اکنون که تا حدود بسیار چشمگیری از بسیاری از این دام‌ها نجات یافته و نسل محروم حاضر به فعالیت و ابتکار برخاسته و دیدیم که بسیاری از کارخانه‌ها و وسایل پیشرفته مثل هواپیماها و دیگر چیزها که گمان نمی‌رفت متخصصان ایران قادر به راه‌انداختن کارخانه‌ها و امثال آن باشند و همه دست‌ها را به سوی غرب یا شرق دراز کرده بودیم که متخصصان آنان اینها را به راه‌اندازند، در اثر محاصره اقتصادی و جنگ تحمیلی، خود جوانان عزیز ما قطعات محل احتیاج را ساخته و با قیمت‌های ارزان‌تر عرضه کرده و رفع احتیاج نمودند و ثابت کردند که اگر بخواهیم، می‌توانیم.

منبع: سایت بسیج